

مدرک برای چه؟

شماره جدید نشریه دانشجوی «آرمانشهر»؛ نشریه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم‌وصنعت در مطلبی با عنوان «آزادی نامرئی» پیرامون مسائل صنفی دانشجوی نوشته است: «هر ترم با انتخاب‌واحد شروع می‌شود. البته به ترم‌اولی‌ها درس‌ها تحمیل می‌شوند ولی بقیه دانشجویان در این مارا تن انتخاب‌واحد تلاش می‌کنند درس‌هایشان را مرتب و پشت‌سر هم بچینند تا زودتر از دست دانشگاه خلاص شوند و سعی می‌کنند تعداد روزهای را که به دانشگاه می‌ایند، کمتر کنند و بین دو کلاس‌شان، زمان خالی نباشد. همان روزهای اول دانشگاه لیست صد و خرده‌ای واحد درسی به دست‌مان می‌دهند و می‌گویند باید این واحدها را پاس کنی! کل دانشگاه تقلا می‌کنیم برای پاس کردن این صد‌خرده‌ای واحد، در انتها مدرکی بگیریم. حالا این مدرکی

که چند سال هم باید برای گرفتنش تلاش کنیم به چه کاری می‌آید؟ پاسخ مشخص است: با این مدرک می‌توانید سر کار بروید و درآمد کسب کنید. به یمن دولت اعتدالی و تداوم سیاست‌های رانشی و دست راستی دولت‌های بعد از جنگ می‌توانم به شما بگویم آمار بیکاری تحصیلکرده‌ها بیشتر از تحصیل نکرده‌هاست. و حتی اگر صاحب شغلی شوید دیگر بر هگان مشخص شده حقوق شما به‌شدت استثمأرگرایانه است. حداقل حقوق ساعتی در ایران نسبت به استرالیا تقریبا ۱ به ۲۲، نسبت به فرانسه تقریبا ۱ به ۲۸ و نسبت به ایالات متحده ۱ به ۲۱، نسبت به یونان تقریبا ۱ به ۱۵ و نسبت به مکزیک تقریبا ۱ به ۳/۵ است. حالا برای مشروعبیت بخشیدن به این سازوکار اقتصادی فاسد و رانشی که هر روز با سلب مالکیت از فرودستان به وسیله تورم و کاهش قیمت کار همراست، شغل‌هایی ایجاد می‌شود که به ما تلقین کند این سیستم براساس توانمندی و مهارت افراد شغل به آنها اختصاص می‌دهد؛ در اینجا کار جدیدی تولید شده است که به ما تلقین کنند تو می‌توانی سر کار بروی، می‌توانی موفق شوی. روان‌شناسان موفقیت، هر روز برایمان لایایی می‌خوانند تا باور کنیم کسانی که نتوانسته‌اند صاحب شغل شوند یا ناآوان‌های عقلی و جسمی بوده‌اند یا کمتر لایایی گوش داده بودند. پس با لایایی گوش دادن به اندازه کافی به صورت درصدصد تضمینی شما می‌توانید موفق شوید.»

رشته اقتصاد و تاجر شدن

شماره جدید نشریه دانشجوی «اقتصادنامه»؛ فصلنامه انجمن علمی دانشجوی اقتصاد دانشگاه قم در مطلبی با عنوان «دانش اقتصاد و یک سوءتفاهم سرنوشت‌ساز» پیرامون زندگی دانشجوی نوشته است: «از ترمینال که به قصد دانشگاه سوار اتوبوس می‌شوی محنت سخت می‌تشد از قف‌های جیرواجری که در فضای سرت با هم کشتنی می‌گیرند. یک وقت خود را می‌بینی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌ای و در یک بانک معروف مشغول به کاری، یا کلی کلان؛ اما بپگوه با خود میگی این همه در رفتنم تازه بشوم مثل پسرعمه بابا که کارش فقط شمردن پول و سرولک زدن با مشتری‌هاست؟! بعدش سعی می‌کنی یک تصویر دیگر از آینده‌ات بسازی: کارمند اداره مالیات، یکی مثل آقای گرمی که همه فامیل به‌او احترام می‌گذارند و همیشه هوابش را دارند. بعد یادت می‌آید از آن روزی که همین آقای گرمی که حتی در مجلس عروسی کرده بود که با همه قطع رابطه کند تا خود را خاضی کند یا اینکه با تندی و عصیانیت از پاسخ به سوال‌های گاه و

بیگاه مردم خودداری کنی! نه، این آینده هم خیلی دلچسب نیست! این بار خود را به‌عنوان رئیس سازمان برنامه تصور می‌کنی که نه مثل کارمند بانک فقط کارش شمارش پول است و نه مردم مثل آقای گرمی از او درخواست‌های فرار از مالیات دارند! خیلی شیک و تمیز وارد اداره می‌شوی و به اتاق خودت می‌روی و چند برگه امضا می‌کنی و چند جلسه و بعد هم با کلی حقوق و مزایا برمی‌گدی خونه! بعد خودت خنده‌ات می‌گیرد از این جاه‌طلبی و ساده‌اندیشی. بگذارید راحت‌تان علم اقتصاد، نه علم تجارت است و نه علم کسب‌وکار. شما در تمام دروس اقتصاد، چیز زیادی برای تاجرشدن یا کاسب شدن یا تولید کردن یا کسب درآمد در هر بازاری، چه بازارهای واقعی و چه بازارهای مالی و اعتباری یا حتی تجارت‌های لازم برای اشتغال در موسسات اقتصادی یا مالی خصوصی نمی‌آموزند! وزن مباحث تئوریک در رشته اقتصاد زیاد است و این نه به خاطر سهیل‌انگاری یا از سر دندوخشی طراحان این رشته است بلکه این درس‌ها متناسب با هدفی است که این رشته برای آن طراحی شده است. علم اقتصاد که قبل‌تر‌ها به این علم اقتصاد سیاسی می‌گفتند، درواقع به دنبال تنظیم و سامان‌دهی امور اقتصادی جامعه است. ما در علم اقتصاد به دنبال طراحی سازوکارهایی هستیم که بتوانیم مواهب موجود در جامعه را به بهترین نحو ممکن توزیع کنیم.»

آرزوهای بزرگ

شماره جدید نشریه دانشجوی «مستقل»؛ نشریه علمی-فرهنگی- اجتماعی دانشجوی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آصفهان در مطلبی با عنوان «آرزوهای بزرگ» به موضوع سیالسی جدید رشته مترجمی نوشته است: «سیالسن جدید رشته مترجمی یا از این به بعد تربیت‌مترجم را در دوره کارشناسی باید دورخیز رشته‌های نوپا برای به رسمیت شناختنشدن در دپارتمان‌های زبان و ادبیات دانشگاه‌های کشور قلمداد کرد. اگرچه هنوز تا شرایط آیدلانی طبق نظر متخصصان که به تدریس دروس مربوطه اقدام می‌کنند زیاد فاصله داریم اما طراحی سیالسی تخصصی را می‌توان نخستین قدم برای نیل به این هدف در نظر گرفت. آشنایی جزئی با این سیالسی می‌تواند یک تصویر کلی از آنچه دانشجویان کارشناسی در دوره چهار ساله خواهند آموخت، به دست بدهد. باور کردن آن هم

نکته که مطالعات ترجمه یکی از معدود رشته‌هایی بود که منابع کنکور ارشد آن در دوره کارشناسی تدریس نمی‌شد، اندکی دشوار است. به بیان دیگر، حیاتی‌ترین سواد که یک دانشجوی‌برای قبولی در آزمون ارشد نیازمند آن است، یعنی سواد نظری ترجمه، تا جایی که ما دیده‌ایم، در دپارتمان‌های زبان و ادبیات انگلیسی به دانشجویان ترجمه تدریس نمی‌شد. نظر به ماهیت بین‌رشته‌ای تئوری ترجمه، تسلط فردی دانشجویان بر این حوزه نیز در بسیاری از موارد، زمان زیادی به خود اختصاص می‌داد و البته بدیهی است در شرایط نبود راهنما برای خواندن متون مربوط به این حوزه و آزمون و خطا با منابع و مقالات اندکی می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. افزوده به بخش اعظم دروس مطالعات ترجمه در دپارتمان‌ها بوده‌اند اسناد گرامری رشته‌های دیگر چون آموزش زبان و ادبیات و زبان تخصصی است. از آنجایی که هیچ‌کدام از این گروه‌ها به‌طور تخصصی و دغدغه‌مند وارد درگیری‌های انتقادی با مطالعات ترجمه نشده‌اند، بعد است دانشجوی ترجمه از حضور در کلاسی آنان چندان پرهزای ببرد.»

گزیده‌خوانی از نشریات دانشجویی طیف‌های مختلف

دردسرهای ترم اولی

هفته پایانی مهرماه نیز از راه رسید، به همین سرعت یک ماه از آغاز سال تحصیلی گذشت و دانشجویان بیشتر در فضای عمومی دانشگاه‌ها قرار گرفتند. در این بین برخی نشریات دانشجویی که از همان ابتدای ترم به دنبال جذب مخاطب یا محتوای نشریات خود بودند و یا این ادبیات سوزنده‌های خود را به تحریر درآوردند، این روزها

برخی مشکلات صنفی همچون قوانین جاری سلف را از چشم همین دانشجویان ترم اولی می‌پینند. در این شماره نیز محتوای برتر ۱۰ نشریه دانشجویی از نگاه نگارنده مورد بررسی قرار گرفته است. در طول هفته فعالان نشریات دانشجویی یا ارسال فایل نشریات خود به آدرس mhayati@ می‌توانند در پایان هفته مطالب برتر خود را در این صفحه بخوانند.

محمد رضا حیاتی
روزنامه‌نگار

لطفاً نه صف سلف

شماره جدید نشریه دانشجوی «بیان»؛ نشریه مستقل دانشگاه علوم پزشکی تبریز در مطلبی با عنوان «لطفاً نه صف» پیرامون مسائل صنفی دانشجویان این دانشگاه نوشته است: «حتماً می‌دانید آنچه به یک دانشگاه‌معنا می‌دهد و اساس آن را از بقیه محیط‌های آموزشی متمایز می‌سازد، حضور شرفرهنخ‌های به نام «دانشجو» در آن است و این دانشجویان هستند که با بودن‌شان، به بودن آسانیت‌هیات‌علمی و کارکنان دانشگاه معنا می‌بخشند. اگر دانشجویی در کار نباشد، دانشگاهی در کار نخواهد بود که برفرشی استادی هم برود و آنجا درس بدهد، حال آن که برعکس آن دور از ذهن نیست! اینها را نگفتم که خدای ناکرده جایگاه متعالی استاد و معلم را خدشه‌دار کنم، بلکه مقصود این است که دانشجویان را بیشتر از جایگاه خود آشنا کنم تا بدانند که فرق زیادی بین دانشجو و دانش‌دیرستانی هست. اینها را نگفتم تا دانشجویانند دوران شیرین دیرستان در همان دوران مانده و او اکنون مجبور است با حضور در دانشگاه، بودن در یک محیط اجتماعی واقعی‌تر و نزدیک‌تر به حقیقت جامعه را تمرین کند. واقعیت این است که برای یک استاد یا یک دانشجو ترم بالایی هیچ فرقی ندارد که طرف حسابش یک دانشجوی ترم اولی است که به‌تازگی از بندنظام آموزشی فاجعه و مخروبه دوران ابتدائی آموزی آزاد شده، دانشجو باید در هر ترمی که هست، بداند که اگر تاکنون گوگد خردسالی در آغوش والدین بوده، حالا دارد بزرگ‌تر می‌شود و خودش باید بزرگ‌بودن را تمرین کند البته این گفته‌ها زیاد به دانشجویهای جدیدالورود برخورد، چون تعداد کثیری از دانشجوی‌های ترم بالایی هم خود را ملزم به رعایت اصول اولیه آدم بزرگ بودن نمی‌دانند و علمی‌رغز رشد ظاهری تحت تاثیر هورمون‌ها، هنوز فکر و ذهن‌شان گوگد مانده است.»



وجود یک دانشگاه تروریستی در تهران!

شماره جدید نشریه دانشجوی «سنجیم»؛ نشریه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شاهد در مطلبی با عنوان «دانشگاه تروریستی شاهد» به سوزه جالبی در رابطه با سوءالسی FATF پرداخته نوشته است: «بنیاد شهید امور ایثارگران و تمامی زیرمجموعه‌های آن توسط گروه ویژه FATF به‌عنوان حامی رسمی تروریسم بین‌المللی معرفی شده است و دانشگاه شاهد هم به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران در زمره حامیان تروریسم قرار گرفته است. خیلی دیر اما پس از منوجه شدن این مساله به مشورت با کارشناسان حقوق بین‌الملل به گفت‌وگو پرداختیم و پس از تحقیقاتی چند روزه کشف به عمل آمد که علاوه‌بر دانشگاه شاهد، دانشگاه علوم پزشکی نقییه، دانشگاه صنعتی مالک اشتر و دانشگاه امام حسین(ع) هم با این بحران روبه‌رو شده‌اند. به این دلیل که چند سوال فراق‌العاده مهم به وجود آمده است. آیا از این به بعد زرمه دانشجویانی که یکی از مقاطع تحصیلی‌شان را در دانشگاه حامی تروریسم شاهد بودند در دانشگاه‌های خارجی مورد تائید خواهد بود؟ آیا از این به بعد دانشجویان دانشگاه ما امکان ادامه تحصیل در کشورهای اروپایی را که همه آنها عضو FATF هستند، خواهند داشت؟ آیا از این به بعد دانشجویان فعلی با سابق دانشگاه ما امکان حضور در کنفرانس‌ها و وریدهای علمی بین‌المللی را پیدا می‌کنند؟ آیا از این به بعد فارغ‌التحصیلان دانشگاه ما این امکان را خواهند داشت که در شرکت‌های بین‌المللی فعالیت کنند؟ حالا جواب اینجاست که با پیوستن ایران به گروه ویژه FATF که اکثر کشورهای قاره اروپا و آمریکا عضو آن هستند، ۳۰۰ صنجاهی که در لیست SDN به ایران اختصاص داشت به متون رسمی FATF اضافه خواهد شد. این درحالی است که تا قبل از این، بسیاری از دانشجویان دانشگاه ما بدون هیچ‌مشکل خاصی توانسته بودند در دانشگاه‌های کشورهای عضو FATF ادامه تحصیل دهند. امروز لایوچ چهارگانه FATF به‌صورت کامل به تصویب مجلس رسیده‌اند. شورای نگهبان اما سه مورد از آنها را خلاف قانون اساسی دانسته و در مورد CFT که آخرین مورد است هم هنوز نظر نداده است. البته به نظر می‌رسد که اشکالات شورای نگهبان در مورد CFT خیلی بیشتر از سایر موارد باشد.»

او اجتماعی است

شماره جدیدنشریه دانشجوی «جنش»؛نشریه مستقل دانشگاه علوم پزشکی لارسان در مطلبی با عنوان «او اجتماعی است» به‌موضوع روابط دختر و پسر در محیط دانشگاه اشاره کرده و نوشته است: «چون با همه سخن می‌گوید، از همه جا، از هر دری، آدم‌های مهم زندگی و آینده‌اش را دوست دارد اما امروز را از دست نمی‌دهد. می‌فود آسان‌ان باید در حال‌زندگی کندو از حال لذت‌ببرد،درست می‌گوید اما اندکی تفاوت میان عقیدم‌نام‌وچود دارد. من به هر قیمتی در حال‌زندگی نمی‌کنم ولی او... قدیم‌ترها مرزی وجود‌داشت میان آدم‌ها به‌نام خط قرمز که امروزه به صورتی، سفید و حتی بی‌رنگ تغییر رنگ داده است، یا آنقدر کلفت‌شده است دیده نمی‌شود. هر کسی هم بدون ویزا می‌تواند از این مرز عبور کند. قدیم‌ها، دوستی‌ها دو مدل بود، فراق و گاهی شاید دوستی خاله‌خرسه! اما امروز... دوست وقت‌فوق و رفیق وقت‌شادی، رفیق پایه برای بیرون رفتن، دوست پسر! دختر و از همه مهم‌تر و پررنگ‌تر، دوست اجتماعی! از همه بیشتر باهمین شخص‌سخن‌می‌گویند،مشورت‌می‌گیرند، سخن‌های‌گویند از زندگی و آینده‌اش و پایه‌های تصمیمات مهم‌زندگی‌اش را بنی‌می‌نهد. یک سوال: حسن درونی‌ات با دوست اجتماعی‌ات چیست؟ دوستش داری؟ یک خیانت کردی به همجنس خودت، به دختر یا پسری که او را دوست دارد و همین‌طور به عشق پسر یا دختری که تو را دوست دارد. اگر دوستش نداری، پس این همه حرف را در در...؟! از جرات‌احساسات برایش می‌گویی و به هر چه گفت عمل می‌کنی؟ اگر ۱4۰ چرا این دختر و پسر غریبه‌ت روی تو کسی فراتر از خواهر و برادر خودت شده؟ خودش را به فرقه‌وقت، خود را به لذت و تحسین نگاه دیگران فروخت.»



بحران اقتصاد و نقش دانشجویان

شماره جدیدنشریه دانشجوی «حاج»؛نشریه انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده پزشکی تهران درمطلبی طنز با عنوان «نگاهی به وضعیت ارز در کشور ووظیفه دانشجویان در برابر آن» پیرامون مسائل اقتصادی نوشته است: «اگر بخوایم تحریرها وواکنش‌های رئیس‌جمهور آمریکا را دلیل آن بدانیم، تاریخ بازگشت تحریرهای اقتصادی ایران هنوز فرا نرسیده و نمی‌توان دلیل اصلی این افزایش قیمت‌ها را سیاست‌های آمریکا دانست. پاسخ این سوال‌هامهم‌هاست. حتی تحلیل‌گران اقتصادی می‌از تفسیر این وضعیت اقتصادی در مانده‌اند و هیچ دلیلی را نمی‌توانند به‌طور قطعی بیان کنند. گویه‌این جمله‌می‌رسیم که اوضاع از کنترل خارج شده اما آیا واقعیت چنین است؟ بحریهای غیررسمی از سوی دولت به گوش می‌رسد. خیرهایی دل‌نشان از ذخیره‌نی‌ارزی دولت‌است. گفته می‌شود به کالاهای ضروری تخصیص داده‌شده است و دولت از هرگونه ارائه مستقیم آن به بازار خودداری می‌کند. حال وظیفه دانشجویان در میان این التهابات چیست؟ مطمئناً تاثیر فزاینده‌ی مجازی در دانشجویان نمی‌توان چشوشویی کرد. به‌علاوه بحریهای تلخ‌چهره‌ای گذشته‌دم‌ما ولی اید را دانست،باین اتفاقات کمی‌بیشتر از حالت‌معمول واکنش نشان دهند. درواقع، التهاب و تشویش در بین مردم به‌خصوص میان جوانان و دانشجویان چودندان است از این‌همه افزایش قیمت‌نی‌توان چشم‌پوشید و گفت تمام این تشویش‌ها کاذب است و باید آرامش داشت اما می‌توان ادعا کرد وضعیت اقتصادی با وجود تمام التهابات خود، به شکلی نیست که در فضای مجازی تصویفی‌شود. وظیفه دانشجویان دغدغه‌مند در این وضعیت‌را می‌توان در دو جنبه تقسیم‌بندی کرد: اداس‌رونده‌مطالبه گر خودخواهت‌شایلیت بیشتر. درواقع اگر خود را دانشجوی دغدغه‌مندی می‌دانیم سعی داریم در کنار درس خواندن، نسبت به اتفاقات اطراف بی‌تفاوت نباشیم. باید این دو فعالیت‌را وظیفه‌حادقایی خود بدانیم. مطالبه گر باشیم و از دولتی که برگره‌های‌رای خود انتخاب کرده،ایمان‌نقلر به‌پروا اوضاع ارادشته‌باشیم. کنروانه‌فره‌های مجازی را کهمدام از تمام‌شمن ماجرا سخن می‌گویند،نگار نکنیم. شفافیت‌طلبی‌ای‌ماهم‌تر از مطالبه‌گری است. بی‌اعتمادی نسبت به دولت روزبه‌روز در حال افزایش است. تنها راه بازگشت اعتماد از دست‌رفته، شفاف‌تر کردن وضعیت اقتصادی از سوی دولت است. درواقع با وظیفه خود می‌دانیم که هرروز به شفافیت بیشتر سیاست‌های دولت‌امروز، روز،»



دانشگاه چگونه شکل گرفت؟

شماره چهارم نشریه دانشجویی «میدان انقلاب»؛ نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در مطلبی با عنوان «علم، دانشگاه و تمدن» پیرامون مساله علم و هویت دینی نوشته است: «انقلاب ۵۷، پایان یکی از مراحل تکامل ما و آغاز مرحله دیگری از چالش‌های ما بود. ما منوجه شدیم که برای اقامه حق، راهی به جز استقرار ساختاری مبتنی بر اسلام نیست و نیز این را یافتیم که قدم نخست برای دستیابی به این امر، نظام‌سازی بر اساس داشته‌های موجود برای مواجه شدن با چالش‌هاست. در مواجهه با مسائل و موضوعات است که به صورت تدریجی تکامل غفلانیت رخ می‌دهد و فهم ما از دین کامل‌تر می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائلی که شروع درگیری ما با آن، به بیش از یک قرن پیش مربوط است، مواجهه ما با دنیای مدرن است. ما در زمانه مدرن زندگی می‌کنیم ولی خود را متعلق به آن نمی‌دانیم. مدرنیته و گستره تمدنی آن نسبت‌سازی‌های خود در چند قرن اخیر، درحقیقت یک «فرهنگ» خاص و یک «سازمان علم» خاص ایجاد کرده است. پرسش ما سال‌ها این است که نظام «علم مدرن» چگونه طی چند قرن اخیر شکل گرفت و چه نسبتی با علم در هویت اسلامی دارد؟ علم مدرن چه نقشی در تمدن‌سازی غرب داشته است؟ دانشگاه ما نیز از زمان پیدایش شکل نوین آن در ایران، همان هویت دانشگاه‌های غربی را داشت، ما همان ابتدا منوجه مساله اهمیت هویت علم و هویت دانشجویان و انقلاب فرهنگی دو، سه ساله نیز واکنشی به آن بود. ولی اتفاقی که به زعم همه افتاد این بود که در واقع انقلاب فرهنگی‌ای رخ نداد و دانشگاه صرفاً پوسته‌روسی خود را با تصویب چند قانون عوض کرد. آن تجربه به ما آموخت که دستیابی به یک نظام علم با هویت اسلامی یک امر دشوی و بیکاره نیست که با چسپاندن چند گزاره به علم بتوانیم آن را تصحیح کنیم و منوجه شدیم که «مساله علم» وحییت داشتن نظام علم چندر مساله پیچیده‌ای است. پرسش از دانشگاه نیز همواره در این ۴۰ سال زنده و مطرح بوده است. دانشگاه‌های امروزی در تمدن غرب چگونه تکامل یافتند و نقش آنها در گسترش فرهنگ غرب چه بوده است؟ دانشگاه چگونه در ایران شکل گرفت و آیا ممکن است که به دانشگاهی در تراز انقلاب و بر اساس هویت اسلامی دست یابیم؟ این پرسش‌ها سائلی هستند که واحد اندیشه بسیج دانشجویی طریقت، قصد دارد در ترم جاری آنها را مورد کاوش و بررسی قرار دهد. اگر این سوالات ذهن شما را نیز به خود مشغول کرده است، همراه ما باشید.»



بیج‌گوشی به دست

شماره چهارم نشریه دانشجویی «رویش»؛ نشریه انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه یزد در مطلبی با عنوان «بی‌سوادی علمی» پیرامون مسائل تحصیل در دانشگاه نوشته است: «بیج‌گوشی را سر جعبه تقسیم می‌گذارند و بیج‌ها را یکی‌یکی می‌کنند. کنترل تلویزیون خراب شده و پدر قصه تمبیرش را دارد، همین‌طور که بیج‌ها را یکی‌یکی داخل کاسه دم‌دستش می‌اندازد، بی‌آنکه به پسر نگاه کند، می‌گوید: یعنی یه‌دونه کنترل هم نمی‌تونی درست کنی؟! پسر بی‌حوصله جواب می‌دهد که در تخصصش نیست، پدر بر آشفته می‌شود که مگر کنترل درست کردن هم تخصصی می‌خواهد؟ و از پسر تازه‌مهندس‌شده‌اش می‌شنود که در شان شاگرد اول دانشگاه فنی نیست که بیج بپیزاند و به قول معروف دست به آچار باشد. این حکایت خیلی از فارغ‌التحصیلان امروزی است. جوانانی که با بسودای مدرک پا به دانشگاه‌ها گذاشته‌اند و نتایج‌شان شده آمار بالای فرار از تحصیل، بیکار. اوایل لیسانس بود، بعد فوق لیسانس، آخر هم رسیده به دکتر. مسیر مدرک‌گرایی روزبه‌روز همزمان اوج می‌گرفت و همزمان با این اوج گبری از ارزش مدرک‌های تحصیلی کاسته می‌شد و امروز کار به جایی رسیده است که دیگر نه لیسانس‌ها به آج و قرب سابق را دارند و نه حتی به کمتر از آن راضی می‌شوند. یکی از بزرگ‌ترین تبعات این مدرک‌گرایی که در جامعه نمود عینی هم پیدا کرده این است که دیگر کسی حاضر نمی‌شود با وجود داشتن مدرک تحصیلی بالا کار خدمانی یا حتی با شأن و منزلت متوسط انجام دهد، همه خواهان میزی هستند که شان مدرک تحصیلی‌شان بی‌خود شود. اکنون شرایط با چند سال پیش فرق است، زمانی دیلیم بی‌سواد محسوب می‌شد. اکنون لیسانس و فوق لیسانس هم رزنی سابق را ندارند. اگر از دانشجویان کارشناسی سوال کردیم تقریباً اکثر آنان می‌گویند بدین‌گذاشته اند تحصیل تا کارشناسی‌چند شود. در دهه ۹۰ از آن سال‌ها که هدف‌شان از ادامه تحصیلی‌چند نبود، می‌زنند و بی‌تفاوت می‌گویند که خوب مثلاً اگر نخونم چی کار کنم؟ البته این موضوع برای دانشجویان پسر کمی متفاوت است، انگیزه رفتن به سربازی بیش از پیش آنان را وادار به ادامه تحصیل می‌کند.»



دانشجو و دهه ۹۰ جامعه ایران

شماره چهارم نشریه دانشجویی «سپیده‌دم»؛ انجمن اسلامی دانشجویان آزادی‌خواه دانشگاه شهید بهشتی در مطلبی با عنوان «میزگرد با حضور ادوار انجمن اسلامی دانشجویان آزادی‌خواه» به‌مواجهی‌را با تعدادی از فعالان سابق این شکل دانشجویی که جهت‌گیری سیاسی با اصلاح‌طلبان دارند، ترتیب داده، این دانشجویان در بخشی از این گفت‌وگو در پاسخ به سوال «به نظر شما شرایط مختلفی که در دهه ۹۰ در جامعه ایران وجود داشته چه تاثیری بر فعالیت دانشجویان در دانشگاه گذاشته است؟» نوشته است: «باید بگویم دانشجویان نمی‌توان و نباید از جامعه جدا بدانیم کما‌اینکه از جنبش دانشجویی بی‌وقتی همه‌های مختلف را بررسی می‌کنیم شاهد هستیم که خاطرات و نقل‌قول‌های فزاینه هر عصر هستند، البته تمام‌نمای جامعه در آن برهه و تجربه زمانه آنها از آن چارچوب است. برای زمانی که دهه ۶۰ گفته می‌شود شاهد می‌کنیم که کارکردن اسلامی با کارکرد آن در دهه‌های بعد کاملاً متفاوت است، پس عمر فعالیت‌ها نیز چنین بوده و از بطن وقایع اجتماعی بیرون آمده است. روزهایی که ما وارد دانشگاه شدیم، اکثر دانشجوی‌ها دغدغه سیاسی داشتند. ریشه آن هم در سرکار آمدن دولتی بود که عملکردش از سال ۸۴ با حداقل خواسته‌های مردم فاصله داشت. این مطالبات اجتماعی به کد دانشگاه هم منتقل شد و دانشگاه دانشجویان نیز فعال‌تر از گذشته شدند. ما شاهدیم که عیناً وقایع اجتماعی در دانشگاه نیز رخ می‌دهند. در سال ۹۲ زمانی که دوازده امید کمی به جامعه بازگشت، جنبش دانشجویی نیز دوباره شروع به بازیابی خود می‌کند؛ پس به‌طور کلی می‌توانم بگویم در همه اعصار جامعه و دانشگاه از هم تاثیر پذیرفته‌اند و با هم تعامل داشته‌اند.»

